

چکیده

این مقاله در روشی توصیفی - تحلیلی به معرفی گویندگان ابیات فارسی کتاب تاریخ یمینی پرداخته است. از آنجا که جرفادقانی، مترجم کتاب و شاعر، مصحح آن به ناصواب، گوینده

غالب اشعار فارسی را علی بن محمد ابن ابیالعیث مستوفی معرفی کردند، مقاله ضمن معرفی ۱۱۵
◆
❖
❖ گویندگان اشعار فارسی کتاب به علل و عوامل بروز این اشتباه پرداخته است. غالباً ابیات فارسی کتاب از انوری، ظهیرالدین فاریابی، فردوسی، سیدحسن غزنوی، مسعود سعد سلمان و دیگر گویندگان نامی ادب فارسی است. ناآشنایی کافی جرفادقانی از پیشینه شعر فارسی، رعایت ملاحظات مادح و ممدوحی و سرانجام آشتگی تضمین شعر در متون نثر از مهمترین عوامل بروز این اشتباه بوده و اعتماد شعار به نظر جرفادقانی نیز موجب تأیید آن شده است.

واژه‌های کلیدی: اشعار فارسی، تاریخ یمینی، تضمین شعر فارسی در متون منتشر، کتاب تاریخ یمینی و اقتباس و اشعار فارسی.

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۸

* نویسنده مسئول kardgar1350@yahoo.com

** دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه قم

۱. درآمد

کتاب تاریخ یمینی از جمله بهترین نمونه‌های نشر مصنوع فارسی در آغاز قرن هفتم است. این کتاب ترجمه تاریخ عتبی از ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی (متوفی ۴۲۷ ه.ق.) است که به تاریخ یمینی معروف شده‌است. این اثر، تاریخ اوآخر عهد سامانیان تا زمان سلطان محمود غزنوی یمین الدوله است و به همین سبب به تاریخ یمینی شهرت یافت (شمیسا، ۱۳۷۷: ۹۸). یکی از دیران فاضل که در نظم و نثر عربی استادی ماهر بود و در زبان فارسی توانا و قادر به ترجمه تاریخ یمینی پرداخت و ترجمه آن را در سال ۶۰۳ ه.ق. به پایان رسانید. این شاعر و دیبر فاضل، ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد المنشی الجرفادقانی است که در خدمت الغ بیک به سر می‌برد. وی از مشاهیر نویسنده‌گان فارسی اوآخر قرن ششم بهشمار می‌رود.

این کتاب یکی از کتابهای بسیار فصیح و پرمایه زبان فارسی است که به سبک عصر خود تحریر شده است و از نظر فصاحت و استحکام پایه و پرمایگی با اصل تازی آن برابری می‌کند. از نظر سبک، تقلیدی از کلیله و دمنه و شیوه نصرالله منشی است با این تفاوت که گامبه‌گاه صنعت سجع در آن به کار رفته است (بهار، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۸۶).

ترجمه جرفادقانی ظاهراً از روزگار خود وی شهرتی یافت و مورد مراجعه و استناد مورخان متأخر قرار گرفت؛ چنانکه برخی از اشعار و عبارات آن را عیناً در آثار دیگران می‌توان دید؛ آثاری چون جامع التواریخ، تاریخ وصف و تاریخ وزرا از این جمله‌است. صاحب مربیان‌نامه نیز تمجیدی تمام از این اثر به عمل آورده است و کار دشوار جرفادقانی را در ترجمه آن کتاب به تلاش فردوسی تشییه می‌کند و از این که هر دو، نتیجه‌ای درخور از کارشان به‌دست نیاورده‌اند، ابراز تأسف می‌کند و در دمندانه می‌نویسد:

ترجمه یمینی، که اگر به یمین مغلظ مترجم آن را صاحب بسیار مایه سخنوری گویند، جئشی لازم نشود و اگرچ او از سر خُسْران صَفَّقه خویش فردوسی وار به حکم تنَّم از آن مقالات استقالتی کرده است و از تخلص کتاب تملصی نموده و چون تخم در زمین شوره افسانده و نهال در زمین بی‌گوهر نشانده (مرزبان بن رستم، ۱۳۸۸: ۱۳).

از جمله پژوهشایی که یادآن در مورد کتاب ترجمه تاریخ یمینی ضروری به‌نظر می‌رسد،

پژوهشی درباره گویندگان اشعار فارسی تاریخ یمینی

پژوهش در تضمین اشعار فارسی این کتاب است. شعار در مؤخره کتاب ترجمه تاریخ یمینی، مطلبی در باب تضمین شعر و آیات و احادیث در این کتاب و دیگر آثار نثر فنی دارد که عیناً نقل می‌شود:

استدلال با اشعار و آیات و احادیث نبوی و کلمات بزرگان از جمله تازگیهای است که در کلیله و دمنه دیده می‌شود و دیگران پس از آن از او تقلید کرده‌اند. آوردن شواهد شعری و آیات و احادیث در کتابهای قدیم مرسوم نبوده است؛ مگر شعر یا آیه یا حدیثی که با تاریخ یا مطلب مربوط به کتاب ربط حقیقی داشته باشد نه اینکه برای زیبایی کلام و هنرمنایی آورده شده باشد؛ چنانکه در طبری و بیهقی و کتابهای متصوفه دیده می‌شود؛ ولی در کلیله و دمنه صفحه‌ای نیست که بدین قبیل زینت‌ها آراسته نباشد و این خود اسلوب تازه‌ای است؛ اما ترجمه تاریخ یمینی از این حیث کاملاً پیرو کلیله بوده است و فرقی که با آن دارد این است که در ترجمه یمینی مقداری از شواهد شعری عربی با ذکر نام شاعر آمده است؛ ولی ابوالمعالی از ذکر نام شاعران چشم پوشیده و تنها در یک مورد از سراینده شعر نام برده است (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۵۵۷).

۱۱۷



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۶، شماره ۵، پیاپی ۱۳۹۸

نویسنده ترجمه تاریخ یمینی در مورد گوینده ایات فارسی کتابش به صراحة اظهار نظر کرده است. جرفادقانی در این زمینه پس از تضمین بیش از سی بیت عربی چنین می‌گوید:

و این قطعه به صدر کبیر تاج‌الدین معین‌الاسلام سید‌الامثال و الصدر علی بن محمد بن ابی الغیث، که مستوفی این حضرت و واسطه عقد معارف این دولت است، نوشته آمده است و این کتاب به مدد همت او به اتمام رسیده است و ایات پارسی که در سیاقیت آن ترکیب رفته است، بیشتر از نتایج خاطر وقاد و نسایج طبع مقناد اوست که نظم و نثرش از سحر حلال و آب زلال حکایت می‌کند و مفاخر او و اسلاف او و فضل و فضایل پدرش، که ابن‌العمید وقت و عبدالحمید روزگار بود در کتاب تحفه‌الآفاق فی محاسن العراق مستوفی ایراد کرده آمده است (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۴۴۰).

چنانکه از این متن برمی‌آید، جرفادقانی اشعار فارسی را حاصل طبع علی بن محمد بن ابی الغیث می‌داند که به ذوق و طبع او ایمان خالص داشته است. متأسفانه به‌ رغم جستجوی فراوان در کتابهای عهد سلجوقی از جمله راحه‌الصلوون، الترسنل الی الترسنل، حلائق السحر رشید و طوطاط، آثار محمد عوفی و ... از زندگینامه و آثار احتمالی علی بن محمد بن ابی الغیث اطلاعی به‌دست نیامد. بنابراین در مورد این فرد، تنها باید

به نکاتی بستنده کرد که در ترجمه تاریخ یمینی آمده است. جرفادقانی وی را پرورش یافته خانواده‌ای اصیل و فرهنگ‌دوست دانسته و تمام اشعار فارسی کتاب ترجمه تاریخ یمینی را نیز به او منسوب کرده است. از این عبارت جرفادقانی استنباط می‌شود که وی از گویندگان اشعار فارسی کتاب آگاهی درستی نداشته و یا براساس رابطه مادح و ممدوحی، آگاهانه و برای جلب رضایت خاطر ممدوح چنین نظری ارائه کرده است. جرفادقانی در مورد گویندگان اشعار فارسی کتاب محل تأمل دارد. این پژوهش به بررسی صحت و سقم ادعای جرفادقانی پرداخته است، ادعایی که بر پژوهش‌های مرتبط با این کتاب نیز تأثیر گذارده است؛ چنانکه جعفر شعار-مصحح کتاب - با استناد به این ادعا می‌نویسد:

در مورد اشعار فارسی کتاب، گذشته از چند بیت، که از شاهنامه فردوسی یا گرشاسبنامه اسدی است، مأخذ باقی اشعار بر نگارنده مجھول بود تا آنکه اخیراً متوجه شدم که جرفادقانی در خود کتاب اشاره کرده که شعرهای فارسی از معین اسلام علی بن محمد ابی الغیث مستوفی ابوالقاسم علی بن حسین وزیر جمال الدین آی ابی الغ باریک است» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: مقدمه ۱۵)؛

حال اینکه پژوهش نشان می‌دهد که غالب اشعار فارسی کتاب از گویندگان معروف ادب فارسی است که در ادامه مقاله به آن پرداخته می‌شود.

۱-۱ پیشینه پژوهش

متن عربی این کتاب، چندین بار شرح شده است. از میان شرحهای متعدد، شرح الفتح الوهبي (شرح منینی) و شرح نجاتی مشهورتر است. رینولد، مستشرق انگلیسی نیز تاریخ یمینی را از روی ترجمه جرفادقانی به زبان انگلیسی ترجمه، و به سال ۱۸۰۸ میلادی در لندن چاپ کرده است. مقالات اندکی نیز درباره این کتاب منتشر شده است از جمله: ۱- مقاله «در پیرامون تاریخ یمینی» که علی قویم در سال ۱۳۳۳ در مجله دانش به چاپ رسانده است. ۲- «بررسی خطبه آغازین ترجمه تاریخ یمینی» که در سال ۱۳۸۲ عطامحمد رادمنش در کیهان فرهنگی به چاپ رسانده است. ۳- مقاله «جامعه‌شناسی و روانشناسی جنگ در ترجمه تاریخ یمینی» که احمد امیری خراسانی نوشته و در متن‌شناسی ادب فارسی در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. ۴- مقاله «بینش و روش در تاریخ‌نگاری عتبی» از اسماعیل حسن‌زاده که در سال ۱۳۸۸ در تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری به چاپ

پژوهشی درباره گویندگان اشعار فارسی تاریخ یمینی

رسیده است و با مقایسه اصل کتاب با ترجمه فارسی آن، اطلاعات سودمندی در این زمینه در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. در این منابع تنها به بخش کوچکی از این کتاب پرداخته شده است. آنچه مشهود است توجه اندک پژوهشگران به کتاب ترجمه تاریخ یمینی است. نبود پژوهشی در زمینه اشعار تضمین شده در این کتاب، گویای این ادعاست.

۱-۲ روش و پرسش پژوهش

در این مقاله ابتدا تمام ابیات فارسی کتاب تاریخ یمینی استخراج شد؛ سپس با جستجو در دیوان شاعران و نرم‌افزارهای شعری، گویندگان اشعار معرفی، و آن‌گاه در روشنی مقابله‌ای و توصیفی - تحلیلی به مقابله اشعار با دیوان شاعران و علل و عوامل اختلاف ضبط ابیات ترجمه تاریخ یمینی با دیوان شاعران پرداخته شده است. این مقاله بر آن است تا به پرسش‌های چندی پاسخ گوید؛ از جمله: ۱- آیا نظر مترجم کتاب در مورد گویندگان اشعار فارسی تضمین شده در آن مقررین به صواب است؟ ۲- آیا می‌توان استدلال شعار را در مورد گویندگان اشعار تضمینی ترجمه تاریخ یمینی پذیرفت؟ ۳- براستی گویندگان واقعی اشعار تضمینی فارسی چه کسانی هستند؟

◆
فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۶، شماره ۵۵، پیاپی ۱۳۹۸

۲. بحث

در کتاب ترجمه تاریخ یمینی چهل و یک بیت فارسی در بیست و پنج جای متفاوت تضمین شده است. البته در یکی از نسخه‌های معتبر، که محمد بن المهدب نوشت، نیز دو بیت از انوری و سید حسن غزنوی تضمین شده است. با توجه به اینکه تاریخ کتابت این نسخه ۶۳۸ ه.ق. و به زمان زندگی جرفادقانی بسیار نزدیک است؛ در جای خود به این دو بیت تضمینی نیز اشاره می‌شود. در ادامه ابتدا ابیات تضمینی کتاب به ترتیب شماره صفحات آن معرفی، و سپس درباره صحبت و سقم نظر جرفادقانی و شعار در مورد گویندگان اشعار کتاب بحث خواهد شد.

* «در سرداری که بر سر افسر داری و ندر سر آن شوی که در سر داری»
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۴)

شاعر اولین بیت تضمینی کتاب شناخته نشد. برخی ابیات ترجمه تاریخ یمینی در دوره‌های بعدی ادبیات فارسی نیز در آثار گوناگون به کار رفته است؛ اما در آن‌جا نیز اثری

از نام شاعر نیست؛ به عنوان مثال در ابتدای کتاب یک رباعی تضمین شده است:

* «در عهد تو شیر قصد آهو نکند با مور ضعیف مار نیرو نکند
 در دور تو باز اگر چه بیمار شود از بیم تو آرزوی تیهو نکند»
 (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۶)

این رباعی قرنها پس از ترجمه تاریخ یمینی در کتاب تاریخ قاجار (خورموجی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۷۲) بدون ذکر نام شاعر آمده است.

* «ای فکرت تو مشکل امروز دیده دی
 قادر به حکم بر همه کس آسمان صفت
 در ابر گر ز دست تو یک خاصیت نهند
 وی همت تو حاصل امسال داده پار
 فایض به جود بر همه خلق آفتاب وار
 دست تنهی برون ندمد هرگز از چنان»
 (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۷)

این سه بیت از قصیده‌ای از دیوان انوری به مطلع زیر است:

«دی بامداد عید که بر صدر روزگار هر روز عید باد به تأیید کردگار»
 (انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۸۱)

انوری از جمله قصیده‌سرایانی است که نویسنده‌گان نثر فنی، توجه ویژه‌ای به او داشته‌اند. او در سال ۵۷۵ ه.ق. وفات یافته و بخش عمده‌ای از زندگی خود را در ابیورد و نیشابور در خراسان بزرگ سپری کرده است.

* «چو زنهار خواهند زنهار ده که زنهار دادن ز پیکار به
 بدانشان میاور ز بیچارگی که جان را بکوشند یکبارگی»
 (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۳۰)

این دو بیت از گرشاسبت‌نامه اسدی طوسی شاعر قرن پنجم اهل خراسان است. بیت اول بدون تغییر در ترجمه تاریخ یمینی تضمین شده؛ اما مصراع اول بیت دوم با کمی تغییر آمده است:

«چو زنهار خواهند زنهار ده که زنهار دادن ز پیکار به
 چنانشان مگردان ز بیچارگی که جان را بکوشند یکبارگی»
 (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۳۶۰)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، «چنانشان مگردان» به «بدانشان میاور» تبدیل شده است.

* «بنشینم چون کار به نام آید و ننگ بر آتش چون کباب و بر تیغ چو زنگ»
 (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۳۰)

پژوهشی درباره گویندگان اشعار فارسی تاریخ یمینی

در کتاب ترجمه تاریخ یمینی بیتی از علی بن حسن باخرزی تضمین شده است که بیت دوم یک رباعی است. عوفی در لباب‌اللباب پس از اینکه از این مورخ، ادیب و شاعر اهل باخرز خراسان، که در نیمه قرن پنجم می‌زیست، به نیکی یاد کرده است، چند رباعی از وی نقل می‌کند که یکی از آنها همین رباعی است:

«**خصم تو اگر باز ندارد ز تو چنگ
صد گونه برای تو برآمیزم رنگ
بنشینم اگر کار به نام است و به ننگ
بر آتش چون کباب و بر تیغ چو زنگ»**
(عوفی، ۱۳۹۰: ۶۹)

بیت دوم با کمی تغییر در ترجمه تاریخ یمینی تضمین شده است. در مقایسه این بیت عوفی با بیت نقل شده در تاریخ یمینی تفاوت‌هایی از این دست دارد: واژه «چون» جایگزین «اگر» شده و عبارت «است و به» به جای «آید و» آمده است. در مقاله‌ای در مجله ارمغان نیز این رباعی به باخرزی نسبت داده شده است (وحید دستگردی، ۱۳۰۷: ص ۱۸۴).

* «به وقت کرو فراز گرد و خون و مشغله گشته
هوا تنگ و زمین لعل و اجل کور و ستاره کر»
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۵۰)

۱۲۱

شاعر این بیت یافت نشد.

* «تا من نشوم به خاک در پستی پست
کوته نکنم ز دامن مهر تو دست»
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۶۶)
مصراع دوم این بیت، چهارمین مصراع یک رباعی از عبدالواسع جبلی است. رباعی عبدالواسع، شاعری که تا سال ۵۵۵ ه.ق. می‌زیسته، چنین است:
«باشد دل من ز باده عشق تو مست
در رنج خمار از آن بماندم پیوست
در پای اجل تا نشود شخص پست
کوته نکنم ز دامن مهر تو دست»
در دیوان عبدالواسع جبلی، که به کوشش ذبیح‌الله صفا چاپ شده، این رباعی نیامده است؛ اما این رباعی در کتاب *مجمع الفصح* به عبدالواسع جبلی نسبت داده شده است (هدایت، ۱۳۸۲، ج ۱: ۶۹۸).

* «نعواذ بالله اگر خود جنایتی دارم
طريق عفو چرا بسته شد در این معنی»
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۷۲)

این بیت از ادیب صابر ترمذی است. شاعری که قسمت عمده‌ای از حیات خود را در خراسان گذراند و در سال ۵۴۶ ه.ق. کشته شد. مطلع قصیده ادیب صابر چنین است:

«تنم به مهر اسیر است و دل به عشق فدی»

(ادیب صابر، ۱۳۸۰: ۲۶۷)

این بیت با تغییر فعل «کردم» به «دارم» در کتاب ترجمه تاریخ یمینی تضمین شده است.

* «جهان به حیله دم اندر کشیده چون نقطه

شده ز خون یلان همچو پای کبک دری

(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۷۴)

این بیت در دیوان مجیرالدین بیلقانی، که تا سال ۵۸۶ ه.ق. در شروان میزیسته در قصیده‌ای به مطلع زیر آمده است:

«نه دل ز یار شکید نه می بسازد یار به غم فرو نشوم گر به سر برآید کار»

(بیلقانی، ۱۳۵۸: ۹۸)

ایيات در دیوان او چنین ثبت شده است:

«جهان به حیله دم اندر کشیده چون نقطه

شود ز خون یلان همچو پای کبک دری

در ایيات تضمین شده در ترجمه تاریخ یمینی، واژه «دهن» به «دهان» تبدیل شده

است و فعل «شود» نیز به «شده» تغییر یافته است.

* «آرام یافت در حرم امن و حش و طیر

گردون فروگشاد کمند از میان تیغ

و ایام برگرفت زه از گردن کمان

از غصه خون گرفت چو می ظلم را جگر

وز خنده بازماند چو گل عدل را دهان» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۵۷)

این سه بیت از قصیده‌ای از ظهیرالدین فاریابی به مطلع زیر است:

«گیتی ز فر دولت فرمانده جهان ماند به عرصه حرم و روشه جنان»

(ظهیر فاریابی، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

هر سه بیت این تضمین بدون هیچ تغییری در ترجمه تاریخ یمینی آمده است؛ اما

این ایيات در دیوان شاعر متوالی نیست و بیت سوم با سه بیت فاصله نسبت به بیت

پیش از خود آمده است. سهم ظهیر در ایيات تضمینی ترجمه تاریخ یمینی بیش از

دیگر شاعران است. زمان وفات او با ترجمه تاریخ یمینی مقارن است. وی بخشی از

زندگی خود را در نیشابور گذراند. در چهار بخش از این کتاب به ایاتی برمی‌خوریم

پژوهشی درباره گویندگان اشعار فارسی تاریخ یمینی

که از چهار قصیده متفاوت از ظهیر تضمین شده است. از مجموع هشت بیتی که از ظهیر تضمین شده پنج بیت آن بدون هیچ تغییری آمده است:

هر کجا گرزش بدادی مر عدو را یادگار
غیبه جوشن دریدی بر تن مردان کار
در زمین فریاد هردم کای شهشه زینهار
کافرین باد آفرین بر دست و تیغ شهریار»
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۶۴)

به رغم جستجوی بسیار، گوینده این ابیات پیدا نشد. حال و هوای ابیات، اشعار مدیحه پردازی چون مسعود سعد را به یاد می‌آورد و برخی از لغات و ترکیبات آن را می‌توان در دیوان مسعود سعد یافت؛ از جمله «عیبه جوشن» و «بیضه مغفر» که در این بیت مسعود به کار رفته است:

چو از خون در بر گردان بیند عیبه جوشن
(مسعود سعد، ۱۳۸۴: ۱۳۸)

با توجه به این شباهت می‌توان به این نتیجه رسید که تضمین کننده این ابیات، خواه جرفادقانی باشد، خواه مستوفی به این بیت مسعود سعد نظر داشته و از مقلدان او بوده است:

* «در برگریز عمر عدو صرصر اجل
اطراف باغ معركه را تیغ آبدار
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۶۴)

این دو بیت از قصیده‌ای از ظهیر الدین فاریابی به مطلع زیر است:
«شرح غم تو لذت شادی به جان دهد
شکر لب تو طعم شکر وا دهان دهد»
(ظهیر فاریابی، ۱۳۸۸: ۶۸-۶۹)

ضبط ابیات تضمینی با ضبط آن در دیوان شاعر کمی اختلاف دارد که البته در معنای کلی بیت تأثیر بسزایی ایجاد نکرده است:

«در برگریز عمر عدو صرصر اجل
اطراف باغ معركه را تیغ آبرنگ
(ظهیر فاریابی، ۱۳۸۸: ۶۹-۶۸)

واژه «آبرنگ» به «آبدار» تبدیل شده و «گل ارغوان»، «گل و ارغوان» شده است. ردیف شعر نیز از «دهد» به «نهاد» تغییر پیدا کرده است. شایان ذکر است که ردیف «نهاد» در نسخه بدل دیوان ظهیر موجود است.

* «چندان بریخت خنجر شه خون دشمنان کاجزای خاک تا به ثری جمله در نم است» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۶۷)

این بیت نیز از قصیده‌ای از ظهیرالدین فاریابی تضمین شده است. مطلع قصیده چنین است:

«شاها در تو قبله شاهان عالم است گردون تو را مسخر و گیتی مسلم است» (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۸: ۲۹)

در دیوان ظهیر به جای واژه «شه»، «تو» آمده و در مصراع دوم نیز واژه «پر» جایگزین «در» شده است.

* «به هر کاری که روی آورده خصمش گفته نومیدی تو را این کار برناشد تو با این کار برنایی» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۷۵)

در کتاب ترجمه تاریخ یمینی در چهار موضع، شش بیت از قصاید انوری تضمین شده است. چهار مورد تضمینی از انوری نیز مانند ظهیرالدین فاریابی از چهار قصیده متفاوت گزینش شده است. تمام ابیات تضمینی از این شاعر بدون هیچ تغییری در این کتاب آمده است. بیت بالا از قصیده‌ای به مطلع زیر آمده است:

«خرد را دوش می‌گفتم که ای اکسیر دانایی همت بی‌دیده بینایی» (انوری، ۱۳۷۶، ج: ۱، ۵۰۰)

و آخرین بیت آن قصیده است. تنها تغییری که بسیار جزئی است و در بیت اعمال شده تبدیل «رو» به «روی» است. این تغییر تفاوت معنایی خاصی ایجاد نمی‌کند و حسنی که نسبت به بیت انوری می‌توان برای آن قائل شد، روانتر خوانده شدن و موزونی بیشتر آن است.

* «ز بس کشته پشت جهان گشت خم از آن سوی دیگر زمین داد نم» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۷۶)

شاعر این بیت یافت نشد. این بیت در بحر متقارب است و در کتاب ترجمه تاریخ یمینی پیش از بیتی از فردوسی تضمین شده است. پنج بیت از شاهنامه با عبارت «ز بس

پژوهشی درباره گویندگان اشعار فارسی تاریخ یمینی

کشته» آغاز شده است که ادامه هیچیک از ابیات فردوسی با این بیت شباhtی ندارد
(ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۹۳: ۲۵۲).

* «از سم ستوران در آن پهنه دشت زمین شش شد و آسمان گشت هشت»
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۷۶)

در شاهنامه به جای «سم ستوران»، «گرد سواران» آمده است (فردوسی، ۱۳۹۳، ج: ۵، ۴۶۲). فردوسی، دیگر شاعر خراسانی است که در سال ۴۱۶ ه.ق. وفات یافته است. از فردوسی نیز دو بیت تضمین شده است:

* «آنچه روزی بود کز زخم و نهیب تیغ و تیر آسمان در اضطراب آمد زمین در اضطرار وز تف هیجا به جوش آمد زمین کارزار از فروغ تیر سوزان شد هوای معركه این گریزان همچو موش و آن گرازان همچو مار»
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۷۸)

شاعر این ابیات به شکلی که در ترجمه تاریخ یمینی ثبت شده، نامشخص است؛ ولی شباهتها بسیاری که بین واژگان آن با برخی ابیات قصیده‌ای از مسعود سعد دارد، خواننده را بر آن می‌دارد که ابیات تضمینی را، تحت تأثیر قصیده‌ای از مسعود سعد بداند؛ به عنوان نمونه مصراع دوم بیت دوم به این بیت مسعود سعد شباهت بسیار زیادی دارد:

«چون ز تف حمله گردنشان جوش برآید ز دل کارزار»
(مسعود سعد، ۱۳۸۴: ۱۳۸)

در ترجمه تاریخ یمینی بیت سوم نیز با بیتی از قصیده مسعود شباهت تمام دارد که مطلع آن بیت زیر است:
«جهان را چرخ زرین چشمۀ زرین می‌زنند زیور از آن شد چشمۀ خورشید همچون بوته زرگر»
(مسعود سعد، ۱۳۸۴: ۱۳۸)

بیت مسعود سعد چنین است:

«ز بیم مرگ و حرص نام جوشان پر دل و بد دل گریزان این چو موش کور و تازان آن چو مار کر»
(مسعود سعد، ۱۳۸۴: ۱۳۸)

همان‌طورکه مشاهده می‌شود، تقریباً تمام واژگان دو بیت یکی است و فقط جایهایی در کلمات دیده می‌شود.

* «پسندی و هم داستانی کنی که جان داری و جان‌ستانی کنی»
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۸۲)

بیت از داستان فریدون در شاهنامه فردوسی است که بدون تغییر آمده است
(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۲۰).

* «از دیده که نقش تو نمودم تو بھی وز دل که فرو گذاشت زودم تو بھی
دیدم همه را و آزمودم تو بھی» وز جان که نداشت هیچ سودم تو بھی
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۹۳-۱۹۴)

این رباعی از سیدحسن غزنوی است. سیدحسن غزنوی در سال ۵۶۵ ه.ق. وفات یافته و در روستای آزادوار خراسان مدفون است. بسیاری از ابیات تضمین شده در کتاب تاریخ یمینی بدون تغییر نسبت به دیوان شاعران، مورد استفاده قرار گرفته است. با بررسی ابیات تضمین شده در این کتاب و مقایسه آنها با دیوان شاعر، تنها به یکی از اشعار برمی‌خوریم که با تغییرات کلی همراه بوده است. با وضعیتی که توضیح آن خواهد آمد بهنظر می‌رسد این تغییر نیز چیزی جز اختلاف نسخه نیست و از قضا نسخه‌ای که جرفادقانی (مستوفی) از آن بهره برده است بر دل می‌نشینند. در کتاب ترجمه تاریخ یمینی از سیدحسن غزنوی در دو مورد، سه بیت تضمین شده است. شعر تضمینی مورد نظر، یک رباعی از سیدحسن غزنوی است. این رباعی در دیوان سید حسن بدین شکل ثبت شده است:

«زان جان که نداشت هیچ سودم تو بھی زان دل که فرو گذاشت زودم تو بھی
وان دیده که نقش روی تو نمود دیدم همه را و آزمودم تو بھی»
(غزنوی، ۱۳۶۲: ۳۴۶)

چنانکه ملاحظه می‌شود، برخی حروف ربط در اول مصاریع با هم متفاوت است؛ برخی مصراعها نیز با هم جایه‌جا شده است و تفاوت‌های کلی در آن دیده می‌شود. نکته قابل تأمل در مصراج سوم است که آن‌طور که در دیوان سیدحسن غزنوی ثبت شده است، اشکال وزنی دارد. البته مصحح محترم نیز به این نکته پی برده و برای رفع این اشکال، شکل صحیح این مصراج را از نسخه‌های دیگر یافته و در پاورقی دیوان ثبت کرده است. از قضا شکل درست، همان است که در ترجمه تاریخ یمینی می‌بینیم:

* «عروس مملکت او در کنار گیرد سخت که بوسه بر لب شمشیر آبدار دهد
حسام قاطع و بازوی کامکار دهد»
ز صد دلیر یکی باشد آن که توفیقش
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۲۰۱)

پژوهشی درباره گویندگان اشعار فارسی تاریخ یمینی

یکی از مسائلی که در تضمین ابیات شاعران در نثر فنی مشاهده می‌شود، این است که گاهی نویسنده نثر فنی متأخر، بیت تضمینی را از دیوان شاعر استخراج نمی‌کند بلکه آن را در کتاب نثر فنی متقدّم دیده است و از همانجا نیز آن را نقل می‌کند. این سخن از آنجا استنباط می‌شود که برخی ابیات، که بین فنی نویسان قرون هفت و هشت دست به دست شده، همه مانند هم است و اگر تفاوتی با بیت ثبت شده در دیوان شاعر دارد، آن تفاوت همه یکسان است؛ به عنوان مثال ظهیر الدین فاریابی قصیده‌ای به مطلع زیر دارد:

«سپیدهدم که صبا مژده بهار دهد
دم هوا مدد نافه تtar دهد»

ابیات زیر نیز از این سروده است:

«عروس ملک کسی در کنار گیرد تنگ
که بوسه بر لب شمشیر آب دار دهد
حسام قاطع و بازوی کامکار دهد»
ز صد دلیر یکی باشد آن که توفیقش
(فاریابی، ۱۳۸۹: ۱۸۳)

این بیت در کتاب ترجمه تاریخ یمینی و کتاب نفثه‌المصادر، که کمتر از سی سال پس از آن نوشته شده، تضمین شده است. نسوی زیدری نیز بیت اول را بدین شکل تضمین کرده است:

«عروس مملکت آن در کنار گیرد تنگ
که بوسه بر لب شمشیر آب دار دهد»
(نسوی، ۱۳۹۴: ۱۹)

به رغم وجود ترکیب «عروس ملک» در دیوان شاعر در هر دو کتاب نثر فنی یادشده «عروس مملکت» ضبط شده است. این گونه تغییرات معمولاً از جانب یک نویسنده اعمال شده است و نویسنده‌گان دیگر آن تغییر را خواهناخواه در آثار خود تکرار کرده‌اند.

* «از بلندیش فرق نتوان کرد آتش دیدبان ز جرم زحل»
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۲۰۷)

به رغم جستجوی فراوان، شاعر این بیت یافت نشد.

* «آتش هیبت شه دود برانگیخت ز هند هنداون را رخ از آن دود سیه گشت چو قیر»
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۲۰۹)

این بیت از قصیده‌ای از امیر معزی به مطلع زیر تضمین شده است:

«ای چو جد و پدر اندر خور دیهیم و سریر ناصر دین و خدایت به همه کار نصیر»
(معزی، ۱۳۹۳: ۳۱۶)

جرفادقانی (مستوفی) این بیت را از امیر معزی درگذشته به سال ۵۱۸ هـ. در نیشابور، تضمین کرده است. در بیت تضمینی واژه «شه» جایگزین کلمه «تو» شده است. همین تغییر واژه «تو» به «شه» را در ص ۱۶۷ کتاب و در تضمین بیتی از ظهیرالدین فاریابی نیز شاهد هستیم.

* «عقل داند که چو مهتاب زند دست به تیغ رد تیغش نه به اندازه درع قصب است» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۲۸۰)

این بیت از قصیده‌ای از انوری به مطلع زیر است:
 روز می خوردن و شادی و نشاط و طرب است ناف هفتة است اگر غره ماه رجب است
 (انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۵۱)

بیت بدون تغییر تضمین شده است.

* «دیدیم چند بار و نیامد همی نکوی
 فرام آن که قصد بدین خاندان کند
 هر سر سبک که پای در این آستان کند»
 از بار سر کنند سبکبار گردنش
 (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۲۸۴)

این دو بیت از یکی از ترکیب‌بندهای کمال‌الدین اسماعیل، تضمین شده که در نیمه دوم قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم در اصفهان می‌زیسته است. این ایيات از بند پنجم

این شعر به مطلع زیر انتخاب شده است:

«رأیت به هر مهم که اشارت بدان کند زور سپهر از بن دندان چنان کند»
 (کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۹۶، ج ۱: ۶۷۵)

این ایيات در دیوان کمال چنین ثبت شده است:

«از بار سر کنند سبکبار گردنش هر سر سبک که بر تو همی سر گران کند
 دیدیم چند بار و نیامد همی نکوی فرام آن که قصد بدین خاندان کند»
 (همان)

با مقایسه این دو بیت در دیوان این شاعر و کتاب ترجمه تاریخ یمنی درمی‌یابیم که ایيات با هم جایه‌جا شده و در مصراج چهارم «پای در این آستان کند»، جایگزین «بر تو همی سر گران کند» شده است.

همه سر ربع قلعه مرد آن پوش همه فضیل در حصن گرد آهن خای»
 (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۳۲۹)

سراینده این بیت یافت نشد. در پایان کتاب تاریخ یمینی، عتبی بخشی را به آن
الحق کرده و در آن از شخصی به نام ابوالحسن بغوی، که از امرا بوده، بدگویی کرده؛
اما این بخش را جرفادقانی ترجمه نکرده است. به قول کاتب، المهدّب، جرفادقانی
«چون از ترجمه یمینی پیرداخت؛ تعرّض رسالت آخر آن نکرد و اعراض او از آن، نه از
راه قصور بود، بل خواست که بعد از او دیگری در آن شروع کند تا تفاوت بداند»
(جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۴۴۴). مترجم این قسمت ابو اسماعیل سعید بن ابی المفاخر اصفهانی
معروف به سکّری است و ترجمه در نیمه اول قرن هفتم انجام گرفته است. «کاتب
نسخه "شع"، ابو اسماعیل را، که به اندیشه برابری با جرفادقانی افتاده و به ترجمه آخر
یمینی مبادرت جسته است، سخت سرزنش کرده و او را شایسته این کار ندانسته و حق
با اوست» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: مقدمه، ۱۷). وی پیش از آغاز کار کتابت خویش چند سطّری
درباره کیفیت ترجمه ابو اسماعیل و مقایسه آن با نثر یمینی نوشته است. المهدّب کاتب
دو بیت در توضیحات ابتدای ترجمه خود تضمین کرده است. وی نام انوری و سید
حسن غزنوی، شاعران دو بیت را در کنار ابیاتی آورده که در ابتدای کتابت خویش
تضمين کرده است. بعد نیست وی از خطای جرفادقانی آگاه بوده و با شعر شعراًی که
ابیات و آثارشان در ترجمه تاریخ یمینی تضمین شده آشنایی داشته و دم برنیاورده
است؛ چرا که همان‌گونه که از همین چند سطر برمی‌آید، وی یکی از مریدان و
ارادتمندان تام نشر جرفادقانی است؛ بنابراین حاضر نیست به دلیل اشتباہی که رخ داده
است، جرفادقانی را سرزنش کند. وی در ابتدای کتابت خود صفحه‌ای بر کتاب افروده
و دو بیت تضمینی نیز آورده است. آن دو بیت که همراه با نام شاعران آنهاست چنین:
است:

* «چه ماند به طاووس اگر زشت مرغی نهد چون مگس بر سپیدی سیاهی» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۴۴۴)

این بیت از قصیده‌ای از سید حسن غزنوی به مطلع زیر است:

«بر آنم که امروز چون دادخواهی نهم قصه‌ای به چنین بارگاهی»

(١٣٦٢-١٩٨)

ہم چنیں پیت

* «فقی باشد خاصه اند، حله‌گاه اعتیاد، آخر از نقش الهه تا به نقش آزادی»

١٣٧٤ - فادقان (٤٤٤)

از قصیده‌ای از دیوان انوری به این مطلع است:

«ای چو عقل اول از آلایش نقصان بری
چون سپهرت بر جهان از بدو فطرت برتری»
(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۵۹)

۱-۲ بررسی برخی ویژگی‌های تضمینی در ترجمه تاریخ یمینی

شعر فارسی تا آغازین سالهای قرن هفتم، که سالهای ترجمه کتاب تاریخ یمینی است، کارنامه پرباری از خود بر جای نهاده و در گونه‌ها و قالبهای مختلفی به شکوفایی رسیده است؛ از این‌رو گرینش اشعار از میان انبوی از آثار درخور توجه کار آسانی نیست. این ویژگی، آن‌گاه که با ملاحظات دیگری چون ملاحظات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و ذوق شخصی همراه می‌شود بر دشواری گزینش شعر می‌افزاید. با توجه به چنین عوامل تأثیرگذاری در گرینش اشعار تضمینی در ادامه مقاله، ابتدا تصویر و گزارشی از اشعار تضمینی ترجمه تاریخ یمینی ارائه، و سپس به نقد و بررسی نظریاتی پرداخته می‌شود که درباره گویندگان اشعار تضمینی کتاب عرضه شده است.

در کتاب ترجمه تاریخ یمینی نسبت ابیات فارسی به عربی یک به هشت است.

عربیدانی جرفادقانی و اصل عربی کتاب تاریخ یمینی از مهمترین عوامل بروز این ویژگی است. میزان توجه به اشعار عربی در تعداد ابیات متواالی عربی نیز برجسته است؛ به این معنی که گاه سی بیت عربی در ضمن کتاب نقل می‌شود در حالی که این تعداد در مورد ابیات فارسی از چهار بیت فراتر نمی‌رود. همه این موارد از ذوق شخصی جرفادقانی و گرایش او به شعر عربی حکایت می‌کند. اشاره مترجم به قصاید عربی خود (ر.ک. جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۱ و ۴۳۶) و نقل برخی از ابیات آن در ضمن کتاب، خود گویای سلیقه شعری اوست.

جرفادقانی در ۲۷ مورد از اشعار فارسی بهره گرفته است که با توجه به اصل عربی کتاب، تردیدی نیست که این ابیات در ضمن ترجمه کتاب افزوده شده است. با توجه به عللی که او برای ترجمه کتاب نقل می‌کند، تضمین اشعار فارسی در ضمن ترجمه کتاب، طبیعی است:

و در این باب به صاحب عادل مؤید مظفر منصور مهدّب‌الدین جمال‌الاسلام سیدالوزرا کریم‌العالیم ابوالقاسم علی بن الحسن بن محمد بن ابی حنیفه حرس‌الله علّا، که آصف ملک و دستور دولت بود، مشورت کردم و اجازت خواستم؛

پژوهشی درباره گویندگان اشعار فارسی تاریخ یمینی

اهتزازی بلیغ نمود و اشارت کرد که کتاب یمینی از تصنیف عتبی کتابی مفید است و با فلت اجزا و خفت حجم مشتمل است بر شرح مواقف و مقامات سلطان غازی محمود ابن سبکتکین رَحْمَهُ اللَّهُ وَ بَرَخَى إِلَى الْأَحوالِ الْأَلِّ سامان و نبذی از ایام آل بویه و از اخبار و آثار ملوک طوایف و امراء اطراف هم بعضی را متنضم است. صواب آن است که آن را به عبارتی که به افهم نزدیک باشد و ترک و تازیک را در آن ادراک افتد به پارسی نقل کنی و از اسلوب کتاب فراتر نشوی و از تکلف و تصلف مجانبیت نمایی و به الفاظ بشع و لغات غریب تمستک نسازی و بدان‌چه بداحت خاطر و سخاوت طبع دست دهد قناعت نمایی (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۸-۷).

«به‌طورکلی دستکاری جرفادقانی در متن تاریخ یمینی را می‌توان در سه بخش دسته‌بندی کرد: اضافات، حذفیات و تحریفات» (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۶). افروزن اشعار فارسی و مقدمه‌ای بر ترجمه کتاب، بهره‌گیری از احادیث و روایات تاریخی، جرح و تعديل در اشعار عربی تاریخ یمینی (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۷)، ذکر نام گویندگان اشعار عربی که در تاریخ یمینی نیامده‌است از جمله تغییراتی است که جرفادقانی در ضمن ترجمه کتاب، اعمال کرده‌است.

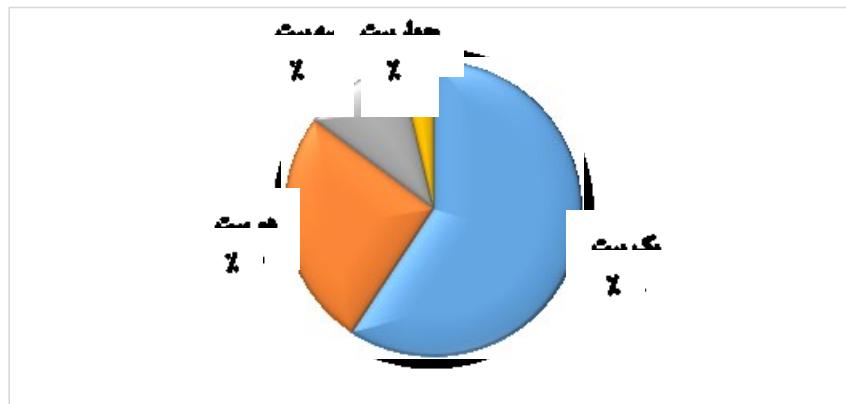
۱۳۱



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۶، شماره ۵۵، پیاپی ۱۳۹۸

حداقل ابیات فارسی در هر مورد، یک بیت و حداقل آن چهار بیت است. جدول و نمودار ذیل، تعداد و درصد توالی ابیات تضمین شده را در ترجمه تاریخ یمینی نشان می‌دهد:

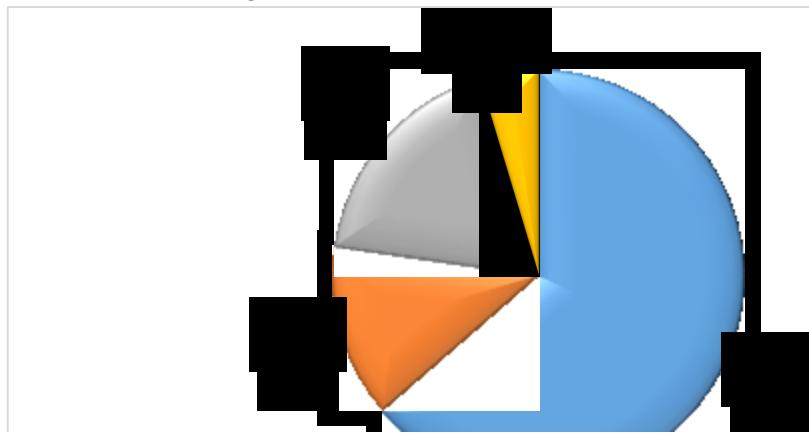
تعداد موارد	تعداد بیت	یک بیت	دو بیت	سه بیت	چهار بیت	جدول ۱: توالی ابیات تضمین شده در ترجمه تاریخ یمینی
۱۶	۷	۳	۱	۰	۰	نمودار ۱: درصد توالی ابیات تضمین شده در ترجمه تاریخ یمینی



غالب ابیات تضمینی از قصاید فارسی انتخاب شده است. این ویژگی در بیشتر کتابهای نثر فنی و مصنوع مشترک است و علت آن را باید در غلبه قالب قصیده بر دیگر قالبهای شعری تا قرن هفتم و نزدیکی سبکی نثر فنی و مصنوع با سبک قصاید فارسی بویژه قصاید فنی جستجو کرد. قالب رباعی نیز در کتاب ترجمه تاریخ یمینی از نظر فراوانی رتبه دوم را دارد. پس از قصیده و رباعی، مثنوی سهم بیشتری در ابیات تضمینی کتاب دارد. بدون تردید جایگاه برجسته منظومه‌های حماسی و توجه مخاطبان شعر فارسی به شاهنامه و دیگر آثار حماسی در بهره‌گیری از این قالب شعری تأثیرگذار بوده است. در جدول و نمودار ذیل، سهم قالبهای شعری در اشعار تضمینی ترجمه تاریخ یمینی نشان داده شده است:

قالب	تعداد موارد
قصیده	۱۴
رباعی	۴
مثنوی	۳
ترکیب‌بند	۱

نمودار ۲: درصد قالب ابیات تضمین شده در ترجمه تاریخ یمینی



البته در این نمودار و جدول دو بیت تضمین شده از سیدحسن غزنوی و انوری که برافزوده یکی از کاتبان است نیز محاسبه شده است (ر.ک. جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۴۴۴). جرفادقانی در کتاب خود (ر.ک. همان: ۴۴۰) بسیاری از ابیات تضمین شده فارسی را سروده علی بن محمد مستوفی می‌داند؛ حال اینکه شاعران بسیاری از ابیات تضمین شده جزو مفاخر شعر فارسی هستند. از میان شاعران مطرح گذشته، اشعار انوری و

۱۳۴ ◇ فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۶، شماره ۶۵، پاییز ۱۳۹۸

—پژوهشی درباره گویندگان اشعار فارسی تاریخ یمینی

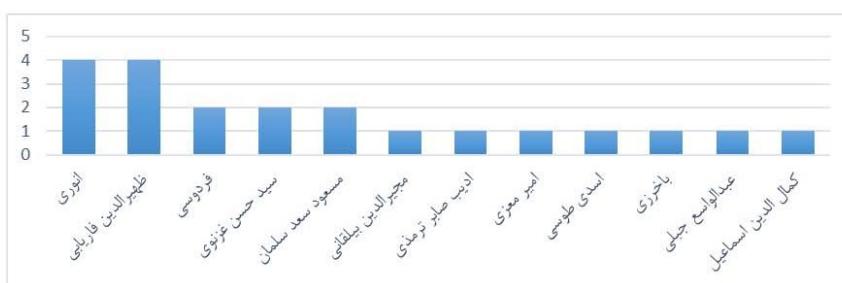
ظهیرالدین فاریابی بیشترین مورد استفاده را داشته است. در جدول و نمودار ذیل به شاعرانی اشاره می‌شود که شعرشان در کتاب ترجمه تاریخ یمینی تضمین شده است:

جدول ۳: شاعرانی که شعرشان در کتاب ترجمه تاریخ یمینی تضمین شده است

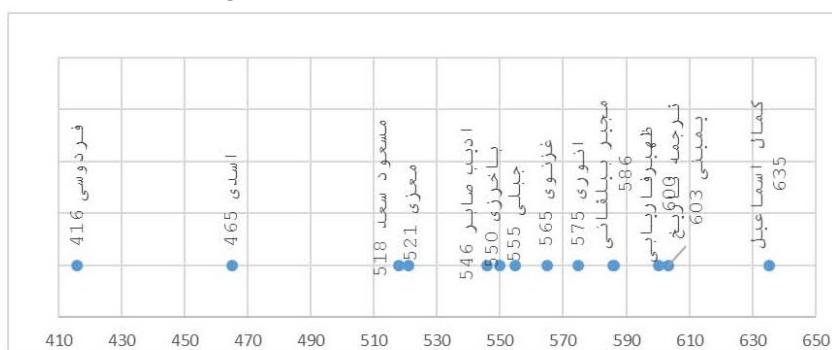
شاعر	انوری	ظهیرالدین فاریابی	فردوسي	سیدحسن غزنوی	مسعود سعد سلمان	مجیرالدین بیلقانی
تعداد	۴	۴	۲	۲	۲	۱
شاعر	شاعر	ادیب صابر ترمذی	امیرمعزی	باخرزی	عبدالواسع جلی	کمال الدین اسماعیل
تعداد	۱	۱	۱	۱	۱	۱

همان‌طور که از نتایج تحلیل داده‌های جدولها و نمودارها بر می‌آید از مجموع ۴۳ بیتی که در ترجمه تاریخ یمینی تضمین شده است، تنها شاعر شش بیت، ناشناخته باقی مانده است. در ادامه بحث به زمان و مکان زندگی شاعرانی پرداخته می‌شود که اشعارشان در این کتاب تضمین شده است.

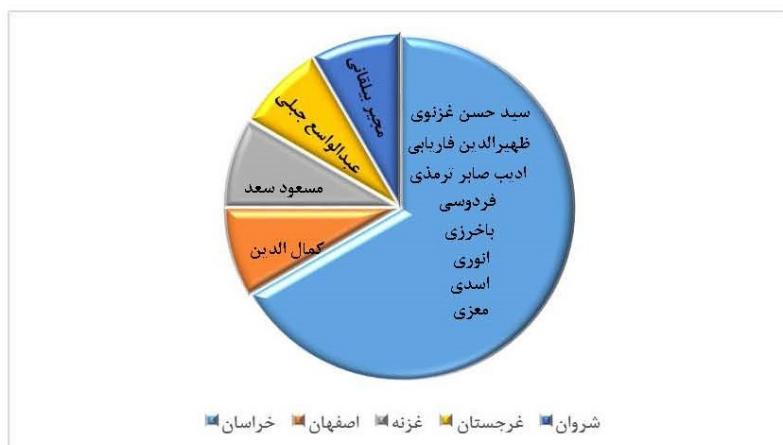
نمودار ۳: شعر شاعرانی که در کتاب ترجمه تاریخ یمینی تضمین شده است



نمودار ۴: سال وفات گویندگان اشعار تاریخ یمینی



نمودار ۵: پراکندگی جغرافیایی گویندگان شعرهای تضمینی ترجمه تاریخ یمینی



چنانکه از این آمار دریافت می‌شود، بیشترین تضمین ابیات به شاعرانی مربوط است که در نیمه قرن ششم می‌زیسته‌اند. فردوسی از قدیمی‌ترین شاعران و کمال‌الدین اسماعیل از معاصران مترجم کتاب است و تا ۲۲ سال بعد از ترجمه کتاب زنده بوده است و در سال ۶۳۵ هـ.ق. به دست مغولان کشته شد. گویندگان غالب اشعار تضمینی اهل خراسان هستند که مرکزیت ادبی خراسان پیش از حمله مغول و موضوع کتاب یعنی تاریخ غزنیان علت اصلی بروز این ویژگی است.

شاعرانی که ابیاتشان در کتاب ترجمه تاریخ یمینی تضمین شده است، شاعران مشهور ادب فارسی هستند و بسادگی می‌توان نام آنان را در کتابهای تذکره یافت؛ برای مثال در لباب‌اللباب عوفی، که قدیمی‌ترین تذکره شاعران فارسی‌زبان است (عوفی، ۱۳۹۰: ۱۱) و مرجع بسیاری از کتابهای تذکره پس از خود، بوده است، شرح احوال و آثار تمامی شاعرانی آمده که جرفادقانی بیت یا ابیاتی از آنها تضمین کرده است. این کتاب در همان سالهایی نگارش یافته که ترجمه یمینی تألیف شده است. با توجه به بررسیهای، نمی‌توان به گفته جرفادقانی، که گوینده ابیات را علی بن محمد مستوفی می‌داند، اعتماد کرد و در نتیجه نظر شعار نیز درباره گویندگان اشعار فارسی کتاب، مقرون به صواب نیست. برخلاف تصور آنها گویندگان بسیاری از اشعار، شاعران بر جسته ادب فارسی هستند و تنها شاعر چند بیت مشخص نشد که لاجرم تا مشخص

شدن صاحبان اصلی آنها می‌توان این ابیات را به مستوفی نسبت داد. دلایل متعددی را می‌توان برای بروز چنین اشتباہی ذکر کرد:

۱- ناآشنایی مترجم با فضای شعر فارسی؛ با مطالعه جملات جرفادقانی در مورد اشعار تضمینی که به علی بن محمد ابی الغیث نسبت داده است، می‌توان به این نتیجه رسید که اطلاعات شعری جرفادقانی چندان زیاد نیست؛ چرا که اولاً مسئولیت انتخاب اشعار فارسی را به شخص دیگری واگذار کرده است (ر.ک: جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۴۴۰). ثانیاً بدون هیچ تردیدی اشعار فارسی کتاب را به مستوفی نسبت داده است در حالی که گویندگان این اشعار از شاعران نامی ادب فارسی بوده‌اند. شاعرانی چون انوری، سید حسن غزنوی، ظهیرالدین فاریابی، ادیب صابر، مجیر بیلقانی، اسدی طوسی و فردوسی کسانی نیستند که علماً و زعمای قرن ششم نسبت به شعرشان بیگانه باشند. این دیدگاه، که وی اطلاع چندانی از تاریخ ادبیات ایران نداشته است به دلایلی متفاوت قوت می‌یابد؛ از جمله اینکه وی در خاتمه کتاب، که سایه عتبی و تاریخ یمینی بر سر او نیست و طبعاً آزادی عمل بیشتری دارد، حتی یک بیت یا مصraig فارسی تضمین نکرده و خاتمه یمینی را نیز بر سیاق گذشته به پایان رسانده است؛ هم‌چنین خود در مقدمه کتاب به ضعف خود در شعر و ادب فارسی در مقایسه با زبان عربی اشاره می‌کند:

و ابونصر عتبی در تقریر این کتاب سحر حلال نموده است و بدایع اعجاز ظاهر کرده و اگر کسی از اوج آن فصاحت و رقت آن عبارت و جزال آن لفظ در حضیض این ترجمه و رکاکت این کلمه خواهد نگریست جز فضیحت حاصلی نباشد و من ضعیف در موقف قصور و تقصیر واقفم و به قلت بضاعت و قصور صناعت معرف. اما عذر من از دو وجه ظاهر است: اول آنکه نخواسته‌ام که به تکلف و تنوّق مقاصد و معادی کتاب در حجاب اشتباه بماند و هر فهم بدان نرسد. دوم آنکه عرصه عربیت فسحتی تمام دارد و اگر کسی مکتوبات این ضعیف در نظم و نثر تازی مطالعت کرده باشد مگر آبی به روی کار باز آید و عیار این کلمات را صلاحی و عوار این ترّهات اصلاحی ظاهر گردد و معلوم شود اگرچه کودن پارسیم حرون است مرکب تازیم خوش‌رو است و اگرچه کسوت مهلهل عجمیه‌ام خلق است حلّه مفوّف عربیتم نیک نو است (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۰).

جرفادقانی خود در جای‌جای کتاب به عربیت خود می‌بالد و کتابهای خود را که به زبان عربی نگارش یافته است، نام می‌برد؛ از جمله می‌گوید:

و این ضعیف را در اثنا و اطرای این حضرت حَمَّهَا اللَّهُ بِالْجَلَلِ قرب دو هزار بیت نظم است که اکثر آن در مجموعی که به روضه‌الحزن مشهور است مسطور و بعضی در مجله‌ای که به شعله‌القبس موسوم است مرقوم و مزبور (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۱)؛

اما کودن پارسی خویش را حرون می‌داند (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۰). آشنایی اندک مترجم کتاب با شعر فارسی سبب شده است مستوفی، خود را گوینده اشعار فارسی کتاب معرفی کند.

۲. رابطه مادح و ممدوحی سبب شده است تا جرفادقانی در مقابل این ادعای سکوت کند؛ به عبارت دیگر مستوفی مسئولیت تضمین اشعار فارسی را بر عهده گرفته و به نادرستی، اشعار را سروده خود دانسته و جرفادقانی نیز در مقابل این ادعا دم برنباورده است. دلیل این سکوت می‌تواند اوضاع عصری و رابطه مادح و ممدوحی باشد که حتی بزرگانی چون عوفی و سعدی نیز از این سکوت جبری در ضمن آثارشان سخن گفته‌اند. در امثال و حکم، ذیل «من نوکر سلطانم بادنجان باد دارد بلی ندارد بلی» آمده است: «این مثل به صورت مضبوط معروف است و در شاهد صادق آمده است که وقتی سلطان محمود گرسنه بود، بادنجان بورانی پیش او آوردند؛ از آن بخورد و گفت بادنجان نیک چیزی است. ندیمش در مدح بادنجان فصلی بلیغ بگفت. سلطان چون سیر شد، گفت بادنجان را مضرت‌هاست. ندیم در مذمت آن بлагفت کرد. سلطان گفت مردک همین زمان چه می‌گفتی؟ گفت من ندیم سلطانم نه ندیم بادنجان» (دهخدا، ۱۳۸۸: ۱۷۵۱). سعدی نیز در تأیید حال و هوای مادح و ممدوحی عصر خویش چنین می‌گوید:

(خلاف رای سلطان رای جستن به خون خویش باشد دست شستن
اگر خود روز را گوید شب است این بباید گفتن اینک ماه و پروین)
(سعدی، ۱۳۷۷: ۸۱)

۳. با توجه به اینکه ترجمه تاریخ یمینی بعد از برخی آثار برجسته نثر فنی چون کلیله و دمنه و روضه‌العقول غازی ملطیوی تألیف شده و در این آثار نیز چندان به گویندگان اشعار تضمینی توجه نشده است، بعید نیست که مستوفی از این وضعیت برای ادعاییش بهره برد، و از غفلت یا عدم اشراف جرفادقانی به فضای شعر فارسی برای انتساب اشعار فارسی به خود بهره‌برداری کرده باشد.

۳. نتیجه‌گیری

بررسی اشعار تضمینی کتاب ترجمه تاریخ یمینی و جستجو در گویندگان آن ایات نشان می‌دهد که قول جرفادقانی و جعفر شعار، مصحح کتاب در مورد گویندگان اشعار فارسی کتاب، مفرون به صواب نیست؛ چرا که این پژوهش، گویندگان غالب اشعار فارسی کتاب را معرفی کرده است؛ به این معنی که از مجموع ۲۷ مورد تضمین شعر فارسی، که در کتاب ترجمه یمینی به کار رفته است، تنها گوینده یا گویندگان پنج مورد مبهم است و همین پنج مورد را حداقل تا مشخص شدن گویندگان واقعی آنها می‌توان به مستوفی نسبت داد. نکته قابل توجه در مورد گویندگان اشعار فارسی کتاب این است که غالب آنها از گویندگان مشهور ادب فارسی هستند و مخاطب انتظار دارد مترجم و نویسنده توانمندی چون جرفادقانی از گویندگان این اشعار آگاهی داشته باشد. گویندگانی چون فردوسی، اسدی طوسی، مسعود سعد، امیر معزی، ادیب صابر، باخرزی، عبدالواسع جبلی، سیدحسن غزنوی، انوری، مجیرالدین بیلقانی، ظهیرالدین فاریابی و کمال الدین اسماعیل؛ گویندگانی نیستند که ادیب توانایی چون جرفادقانی با شعرشان آشنایی نداشته باشد. بنابراین دلایل، بروز این اشتباه را باید در عوامل چندی جستجو کرد؛ عواملی چون ملاحظات سیاسی و رعایت لوازم مادح و ممدوحی، آشتفتگی تضمین شعر در متون نثر فارسی و عدم یادکرد گویندگان اشعار تضمینی به عنوان ویژگی مشترک کتابهای متشور فارسی، بهره‌گیری زیرکانه مستوفی از این ویژگی و البته سکوت محافظه‌کارانه جرفادقانی عوامل اصلی بروز این اشتباه است. این پژوهش بر آن است که باید نظر مؤلفان کتابهای متشور را در مورد اشعار تضمینی آثارشان به دیده تردید نگریست و با توجه به گسترش امکانات نرمافزاری ضروری است پژوهش‌های دقیقتی در مورد اشعار تضمینی این آثار انجام شود.

منابع

۱۳۷ ◇ فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۶۱، شماره ۵۵، پیاپی ۱۳۹۸

- آلن، گراهام؛ *بیاناتنیت*؛ ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز، ۱۳۸۰.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمان؛ *العبر تاریخ ابن خلدون*؛ مترجم عبدالمحمد آیتی، ج سوم، چ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- احمدی، بابک؛ *ساختار و تأویل متن*؛ تهران: مرکز، ۱۳۸۶.

- ادیب، صابر بن اسماعیل؛ **دیوان ادیب صابر ترمذی**؛ تهران: انتشارات بین‌المللی هدی، ۱۳۸۰.
- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد؛ **گرشاسب‌نامه**؛ به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۴.
- امیری خراسانی، احمد؛ «جامعه‌شناسی و روانشناسی جنگ در ترجمه تاریخ یمینی»؛ متن-**شناسی ادب فارسی**، ۳۰، ۲۲-۱؛ ۱۳۹۶.
- انوری، محمد بن محمد؛ **دیوان انوری**؛ به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- بهار، محمدتقی؛ **سبک شناسی**؛ تهران: سپهر، ۱۳۷۳.
- بیلقانی، مجیرالدین؛ **دیوان مجیرالدین بیلقانی**؛ به تصحیح محمد آبادی، تبریز: تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۸.
- جبلی، عبدالواسع؛ **دیوان اشعار**؛ به تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر؛ **ترجمه تاریخ یمینی**؛ تصحیح جعفر شعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- حسن‌زاده، اسماعیل؛ «بینش و روش در تاریخ‌نگاری عتبی»؛ **تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری**، ۸۰-۹۲؛ ۱۳۸۸.
- خالقی مطلق، جلال؛ **بیت‌باب شاهنامه فردوسی**؛ به کوشش علی ایمانی و با همکاری خدیجه خسروی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳.
- خورموجی، محمد جعفر بن محمد علی؛ **تاریخ قاجار**؛ به کوشش حسین خدیو جم، تهران: زوار، ۱۳۴۴.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ **امثال و حکم**؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- راوندی، محمدبن‌علی؛ **راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوقد**؛ به تصحیح محمد اقبال، تهران: اساطیر، ۱۳۸۶.
- سعدی، مصلح بن عبدالله؛ **گلستان**؛ تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۷.
- شمس قیس، محمدبن‌قیس؛ **المعجم فی معاییر اشعار العجم**؛ به تصحیح محمد قزوینی و تصحیح مجده مدرس رضوی و تصحیح مجده سیروس شمیسا، تهران: علم، ۱۳۸۸.
- شمیسا، سیروس؛ **بیان**؛ تهران: فردوس، ۱۳۷۶.

پژوهشی درباره گویندگان اشعار فارسی تاریخ یمینی

۱۳۹
❖ فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۶، شماره ۵، پیاپی ۱۳۹۸

- شمیسا، سیروس؛ نگاهی تازه به بدیع؛ تهران: فردوس، ۱۳۷۶.
- شمیسا، سیروس؛ سبک‌شناسی نثر؛ تهران: میترا، ۱۳۷۷.
- صباغی، علی؛ «بررسی تطبیقی محورهای سه‌گانه بینامنتیت ژنت و بخشهایی از نظریه بالغت اسلامی»؛ *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، ۳۸، ۱۳۹۱؛ ۵۹-۷۲.
- صفا، ذبیح‌الله؛ *تاریخ ادبیات در ایران*؛ ج دوم، تهران: فردوسی، ۱۳۷۲.
- ظهیر فاریابی، طاهر بن محمد؛ *دیوان اشعار؛ تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند*، تهران: نگاه، ۱۳۸۹.
- ظهیر فاریابی، طاهر بن محمد؛ *دیوان اشعار؛ به تصحیح سید‌محسن آثارجوی*، تهران: سنا، ۱۳۸۸.
- عوفی، محمد؛ *لیاب الالباب؛ به کوشش سعید نقیسی*، تهران: پیامبر، ۱۳۹۰.
- غزنوی، سید‌حسن؛ *دیوان سید‌حسن غزنوی؛ تصحیح محمد تقی مدرس رضوی*، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.
- فردوسی، ابوالقاسم؛ *شاهنامه؛ به کوشش جلال خالقی مطلق*، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳.
- کمال الدین، اسماعیل بن محمد؛ *کلیات خلاق‌المعانی؛ تصحیح سید‌مهدی طباطبائی*، تهران: خاموش، ۱۳۹۶.
- مرتضایی، جواد؛ «از توارد تا سرقت ادبی»؛ *فنون ادبی*، ۱۰، ۱۳۹۳؛ ۶۱-۷۰.
- مسعود سعد سلمان؛ *دیوان مسعود سعد؛ به اهتمام پرویز بازی*، تهران: نگاه، ۱۳۸۴.
- معزی، امیر ابو عبدالله محمد؛ *کلیات دیوان معزی؛ مقدمه و تصحیح ناصر هیری*، تهران: مرزبان، ۱۳۶۲.
- منشی، ابوالمعالی نصرالله؛ *کلیله و دمنه؛ تصحیح مجتبی مینوی*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- نامور مطلق، بهمن؛ *درآمدی بر بینامنتیت*؛ تهران: سخن، ۱۳۹۴.
- نسوی، محمد بن احمد؛ *نفائثة المصدور؛ به تصحیح امیرحسین یزدگردی*، تهران: توسع، ۱۳۹۴.
- وحید دستگردی، حسن؛ «آثار صدور یا صدور آثار»؛ *ارمغان*، ۸ (۲ و ۳)، ۱۳۰۷؛ ۱۸۲-۱۸۶.
- وراوینی، سعد الدین؛ *مرزبان نامه؛ به کوشش خلیل خطیب رهبر*، تهران: انتشارات صفوی علی-شاه، ۱۳۸۸.
- هدایت، رضاقلی خان؛ *مجمع الفصحا؛ به کوشش مظاہر مصفا*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.

-
- همایی، جلال الدین؛ *فنون بلاغت و صناعات ادبی*؛ تهران: هما، ۱۳۸۱.
 - یزدانچو، پیام؛ *ادبیات پسامدرن*؛ تهران: مرکز، ۱۳۷۹.
 - نرم‌افزار درج ۴، مهر ارقام رایانه، ۱۳۹۰.